



IranArze.ir



@iranarze



@iranarze



تعداد صفحات
31



آخرین بروزرسانی
۱۹ فروردین ۱۴۰۵

جزوه خلاصه

کتاب معلم مطالعات اجتماعی پایه هشتم کد ۸۶/۱

✔ ویژه آمادگی برای آزمون استخدامی دبیری تاریخ و مطالعات اجتماعی آموزش و پرورش

✔ پوشش دهی مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان

✔ شامل خلاصه و نکات کتاب با قابلیت مطالعه در کمترین زمان ممکن



لینک های مفید آزمون استخدامی دبیری تاریخ و مطالعات اجتماعی

خرید سوالات دبیری مطالعات اجتماعی	سوالات رایگان دبیری مطالعات اجتماعی با پاسخنامه
خرید پکیج سوالات مشترک آزمون	سوالات رایگان آموزش و پرورش با پاسخنامه
خرید گلچین سوالات مشترک آزمون	خرید درسنامه مشترک آزمون
خرید سوالات روش نظام مند تحلیل سیاسی آیت الله خامنه ای	منابع مشترک آزمون
منابع تخصصی دبیری مطالعات اجتماعی	فایل اطلاعات آزمون
اخبار آزمون	شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)

(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )

فهرست مطالب

❖ فصل اول: خلاصه روش نظام مند تحلیل سیاسی آیت الله خامنه ای انتشارات انقلاب اسلامی

تالیف ایران عرضه - صفحه ۴

❖ فصل دوم: نکات مهم روش نظام مند تحلیل سیاسی آیت الله خامنه ای انتشارات انقلاب اسلامی

تالیف ایران عرضه - صفحه ۲۱



❖ فصل اول: خلاصه روش نظام مند تحلیل سیاسی آیت الله خامنه ای انتشارات

انقلاب اسلامی تالیف ایران عرضه

چرا باید جوان انقلاب اسلامی قدرت تحلیل داشته باشد؟

تحلیل سیاسی از مباحث مهم و رایج در علوم اجتماعی و سیاسی است و هر کدام از مکاتب و گونه های اندیشه ای از زاویه ی نگاه خود به آن نگرسته اند. جامعه ای که خود را ملزم به تفکر درباره ی پدیده های سیاسی میداند نحوه ی صحیح تفکر در مورد این پدیده ها نیز برایش مهم خواهد بود، زیرا بر پایه ی تحلیل پدیده های سیاسی و اجتماعی است که انسان به قضاوت می نشیند، تصمیم می گیرد و عمل میکند.

اگر ملتی قدرت تحلی خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن قدرت تحلیل نداشتند، اصحاب امیرالمومنین قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود. امیرالمومنین میفرماید: **و لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الْبَصِيرِ**، اول بصیرت، هوشمندی، بینایی، قدرت فهم و تحلیل، و بعد صبر و استقامت و ایستادگی.

چگونه میتوان تحلیل درستی داشت؟

برای تحلیل درست یک پدیده ی سیاسی باید روش و منطق درستی داشت. الزام روشی به عنوان یک شاخص مهم در مباحث روز علمی مرتبط با تحلیل سیاسی مورد توجه جدی است. روش در یک عبارت اصطلاحی میتواند مبتنی بر سه گزاره باشد: مجموعه ی راه های کشف مجهول، مجموعه ی قواعد هنگام پژوهش و مجموعه ی ابزار و فنون جهت حل مجهول.

توصیف، تفسیر و تحلیل سیاسی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

توصیف سیاسی، بررسی و بیان یک رویداد است به صورت سطحی و بیان واقعیت آن گونه که هست. در واقع توصیف سیاسی گزارش دقیق از چگونگی و روند رویدادهای سیاسی است و لذا به حریم علت ها راه پیدا نمیکند. تحلیل در تحلیل سیاسی به معنی شکستن کل و نه کلی به قسمت های مختلف به منظور تعیین ماهیت آن است. پس تحلیل سیاسی ناظر بر این است که پدیده یا رویداد سیاسی به عنوان یک کل در نظر گرفته شود آنگاه آن پدیده به اجزاء و واحدهای کوچک تر تقسیم گردد سپس این اجزاء بررسی شود و پس از آن نیز ارتباط اجزاء با یکدیگر و همچنین در رابطه با کل پدیده مورد توجه دقیق و منطقی قرار گیرد.

اما "تفسیر سیاسی" مقوله ی دیگری است تفسیر به معنی رسیدن به استنباط درباره ی روابط به عبارتی تفسیر سیاسی بر پایه ی یافته ها و نتایج حاصل از تحلیل درباره ی روابط مورد مطالعه است و لزوماً درباره ی این روابط پدیده ی سیاسی نتیجه گیری میکند.

تحلیل سیاسی روشمند چه کاربردهایی دارد؟

تحلیل سیاسی روشمند میتواند به ارتقاء آگاهی بینش و بصیرت جامعه کمک شایانی کند. با این ابزار است که فرد در جامعه ضمن شناخت منطقی و صحیح پدیده های سیاسی، در فضای غبار آلود فتنه و در هنگام در هم آمیختگی حق و باطل میتواند

گرفتار حیرت نشود و در لحظات حساس که باید نقش تاریخی و تکلیف شرعی خود را انجام دهد قادر باشد با استفاده ی مناسب از ابزار و فنون تحلیل سیاسی به تصمیمی مناسب دقیق و صحیح برسد.

حسن الگوی "روش تحلیل سیاسی" در آن است که از تجارب علمی و عملی ح.زه ی امر سیاسی در آن بهره گیری کامل صورت گرفته و سبب شده تا لوازم فهم و تحلیل پدیده های سیاسی و اجتماعی بهتر از روش های مرسوم مطرح شده برای جامعه فراهم آید.

گفتار اول

مقدمات تحلیل سیاسی

تحلیل سیاسی روشمند از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی دارای مقدماتی است که باید قبل از ورود به عرصه ی تحلیل آن را به دست آورد. درک پیچیدگی های شرایط زمانه کسب آگاهی دینی و تاریخی جهان بینی توحیدی توجه به خود سازی معنوی آزاد اندیشی شجاعت در فهم و توجه به خطوط قرمز از مهمترین موارد مرتبط با مقدمات تحلیل سیاسی میباشد.

۱. جهان بینی توحید

انسان در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی با نگاه توحیدی به جهان طبیعت یک بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است با نگاه توحیدی این جهان یک مجموعه ی نظام مند است یک مجموعه ی قانون مدار است طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم وجودمان پیدایش مان و زندگیمان هدفدار است؛ بی هدف به دنیا نیامدیم این لازمه ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم آنگاه در جستجوی آن هدف بر می آییم. خود این جستجو یک تلاش امیدوارانه است تلاش میکنیم آن هدف را پیدا کنیم بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست تلاشی شروع میشود برای رسیدن به آن هدف در این صورت همه ی زندگی میشود تلاش آن هم تلاش جهت دار و هدفدار از آن طرف این را هم میدانیم که با نگاه توحیدی هر گونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف انسان را قطعاً به نتیجه میرساند. این نتایج مراتبی دارد، یقیناً به یک نتیجه مطلوب میرساند، با این نگاه در زندگی انسان دیگر یاس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. از نظر خدای متعال خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مومن اصلاً متصور نیست. فرمود: ما لنا الاّ احدى الحسنین، یکی از دو بهترین در انتظار ماست، یا در این راه کشته میشویم که این بهترین است، یا دشمن را از سر راه برمیداریم و به مقصود میرسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد.

۲. درک پیچیدگی های شرایط زمانه

انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی های شرایط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم یکی را اثبات کنیم یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمی شود. باید دقیق باشید باید شور انقلابی را حفظ کنید باید با مشکلات هم بسازید باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید در صحنه

بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد شما را عصبانی نکند شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلایی یک چیز لازمی است.

۳. کسب آگاهی دینی و تاریخی

در شناخت مسائل دینی و اجتماعی باید از لایه های سطحی عبور و به لایه ها و سطوح زیرین دست پیدا کرد. تأکید بر قشر و پوسته ی موضوعات دینی و اجتماعی راهکار مناسبی برای شناخت و فهم مناسب آنها نمی باشد. البته باید توجه کرد از لوازم مهم و مناسب تقویت معرفت دینی و سیاسی تدبر و انس با قرآن و ادعیه ی مأثوره، توجه به زندگی و رفتار دینی و اجتماعی پیامبر اکرم (ص) و ژرف اندیشی در تاریخ گذشته ایران و جهان می باشد.

۱. تعمیق معرفت دینی به وسیله انس با قرآن و ادعیه: انس با قرآن، تدبر در قرآن، همچنین تدبر در ادیه مانوره ای که اعتبار دارد - مثل صحیفه سجاده و بسیاری از دعاها- در تعمیق معرفت دینی خیلی نقش دارد. تعمیق معرفت دینی خیلی مهم است.

۲. مطالعه دقیق زندگانی پیامبر اسلام (ص): جوانهای ما بروند تاریخ زندگی پیغمبر را از منابع محکم و مستند بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است. اگر شما میبینید امتی به این عظمت بوجود آمد، این جور بوجود آمد، گسترش پیدا کرد و ریشه دار شد.

۳. مطالعه تاریخ معاصر: من واقعا به شما برادران عزیز توصیه میکنم که با تاریخ آشنا شوید، تاریخ درس است، از تاریخ بسیار درسها میشود آموخت، و بسیار تجربه ها میشود به دست آورد. عده ای سعی میکنند حوادث روزگار ما را یک حوادث استثنایی وانمود کنند. این غلط است. رنگهای زندگی عوض میشود، روشهای زندگی عوض میشود، اما پایه های اصلی زندگی بشر و جبهه بندی های اصلی بشر تغییری پیدا نمیکند.

۴. مطالعه تاریخ غرب: تاریخ بخوانید، تاریخ دوره ی استعمار را بخوانید تا ببینید غریبا علی رغم ظاهر منظم و مرتب و داعیه های حقوق بشر شان، چه وحشیگری ظیمی در این مقوله کردند.

۵. خواندن آثار خوب و گفتگو با اهل تجربه و انسان های معتمد

۴. توجه به خودسازی معنوی

والذین كفروا أولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات» (سوره بقره: ۱۲۵۷) وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد وقتی هوی های نفس - که طاغوت حقیقی اند و در وجود خود ما بدتر از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه طلبی ها و حسادت ها و دنیا طلبی ها و هوی پرستی ها و شهوترانی ها جلوی چشم ما را بگیرند واقعیات را هم نمیتوانیم مشاهده کنیم. در فتنه ی طراحی شده ی پیچیده ی سال ۸۸ حقایق جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده ای این حقایق را ببینند بفهمند؛ ندیدند نفهمیدند وقتی در یک کشور فتنه گرانی پیدا میشوند که برای جاه طلبی خودشان برای دست یافتن به قدرت برای رسیدن به اهدافی که به صورت آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند حاضر میشوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری میکنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه ی یک ملت ایران به

هیجان می آیند و سر شوق می آیند و از آنها حمایت میکنند این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند بعضی نمی بینند بعضی درک نمیکنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل حتی درک هم میکنند، اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ اینها همه عوارض هوای نفس است.

۵. آزاد اندیشی

آزادی یکی از بزرگترین نعمت های الهی است که یکی از شعبش آزاد اندیشی است. بدون آزاد اندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد در حوزه های علمیه دانشگاه و محیط های فرهنگی و مطبوعاتی هو کردن کسی که حرف تازه ای می آورد یکی از بزرگترین خطاهاست بگذارید آزادانه فکر کنند. توسعه ی آزادی و رها بودن میدان برای پرورش فکر و اندیشه و علم و فهم ربطی به اینها ندارد. ظرافتی لازم است که آدم این دو منطقه را از همدیگر باز بشناسد و مرز این ها را معین بکند. آزادی و آزاداندیشی یکی از مبانی اصلی اصولگرایی است.

۶. شجاعت در فهم

اگر شجاعت نبود حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کبریات و صغریات گاهی انسان کبریات را درست میفهمد در صغریات اشتباه میکند. این درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کبریات و صغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ والا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن ترس از جو ترس از فضا؛ اگر این حرف را بنزیم علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بنزیم فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترس ها فهم انسان را هم مختل میکند. گاهی انسان به خاطر این ترس ها به خاطر این ملاحظات صورت مسئله را درست نمیفهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا " ولا یخشون احدا الا الله " خیلی مهم است، در این آیه شریفه " الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لایخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا " معلوم میشود شرط ابلاغ و بلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که " ولا یخشون احدا الا الله ". میگوئی: آقا اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود، خوب "و کفی بالله حسیبا" محاسبه را به خدا واگذار کنید.

۷. توجه به خطوط قرمز

مواضع خلاف قانون

بصیرت پیدا کردن کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی ای وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سر میپیچد و کاری میکند که برای کشور مضر است ضربه به منافع ملت است، خوب با نگاه عادلانه با نگاه متعارف با نگاه غیر جانبدارانه معلوم است که او محکوم است؛ این یک چیز روشنی است یک قضاوت واضحی است.

رفتارهای قبیله گرایانه

میل به رفتارهای قبیله ای در میدان سیاست در میدان اقتصاد از نقاط ضعف ماست. رفتار قبیله ای معنایش این است که تخطئه یا تأییدی که نسبت به کار کسی میکنم ناشی نباشد از ماهیت عمل او ناشی باشد از نحوه ی ارتباط او با من اگر از

قبیله ی ما کسی کار خطائی انجام داد راحت قابل اغماض باشد؛ اما از قبیله ی مقابل اگر همان کار را انجام داد این قابل پیگیری و تعقیب میشود کار خوب اگر از کسی که مربوط به قبیله ی ماست انجام گرفت قابل تحسین و تشویق باشد؛ اگر از قبیله ی دیگر بود نه رفتار قبیله ای این است. این رفتار اسلامی نیست انقلابی نیست ما متأسفانه اینگونه رفتار را در میان خودمان داریم نمیگوییم همه گیر است، فراگیر است؛ اما وجود دارد.

مواضع خلاف وحدت

در جریان های سیاسی در جریان های گوناگون فکری و سلیقه ای مطلقاً مشتعل کردن فضا مناسب نیست. حالا شماها الحمد لله همه تان بصیرید آگاهید لابد از جریانات خبر دارید و الان همین اوضاعی را که توی کشور هست میبینید که متأسفانه این علیه آن علیه این و دستگاه های خارجی چه خوشحالی ای میکنند؛ تحلیل میگذارند رویش بله، بینشان اختلاف افتاد، نابود شدند از بین رفتند. آرزوهای خودشان راهی مرتباً تکرار میکنند. خب، پیداست که این مسئله نقطه ی ضعف ماست نباید بگذاریم این نقطه ضعف ادامه پیدا کند یا افزایش پیدا کند. این ها را باید توجه داشت. حرکت حرکت متین مستدل و مستند باشد. اگر کسانی اختلاف نظرهایی دارند با استدلال بیان کنند. عرض کردم من معتقد به تبیین هستم در دوران مبارزات هم اختلاف ما با چپی ها و مارکسیست هایی که آن وقت مبارزه میکردند سر همین بود که ما میگفتیم باید تبیین کرد آنها به تبیین اعتقاد نداشتند. مواظب باشید در حالی که ما دنیای اسلام را به وحدت دعوت میکنیم دشمن نتواند در میان صفوف خود جمهوری اسلامی اختلاف و تفرقه ایجاد کند شرط پیروزی ها این است که جناح های مختلف در جمهوری اسلامی احترام هم را حفظ کنند و با هم باشند.

دوری از مواضع خلاف آرامش

اگر یک کسی یک حرف غلطی زد آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خب، بله معلوم است. جواب دادن به حرف غلط شیوه ی خودش را دارد راه خودش را دارد کار خاص خودش است.

مواضع دشمن شاد کن

آن کسی که برای انقلاب برای امام برای اسلام کار میکند، به مجردی که ببیند حرف او حرکت او موجب شده است که یک جهت گیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. وقتی میبینند سران ظلم و استکبار عالم از این ها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و این هایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی هم در دوره ی تاریخی صد سال و دویست ساله ی تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. آیا میشود با بهانه ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت که ما عقلانیت بخرج میدهیم این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند شما هم همین طور خوشتان بیاید دل خوش کنید، این عقلانیت است؟

الف) موارد ایجابی

ب) کل نگری (مشاهده مجموعه واقعیات با هم)

واقعیت هایی وجود دارد که اگر ما این واقعیت ها را در محاسبات خودمان نیاوریم قطعاً در قضاوت اشتباه خواهیم کرد؛ در انتخاب راه هم اشتباه خواهیم کرد. این واقعیتهای را باید دید ما وقتی که میخواهیم آرمان گرایی همراه با واقع بینی داشته باشیم - یعنی واقعیت ها را ببینیم بر اساس واقعیت ها حرکت خودمان را تنظیم کنیم - باید توجه کنیم که به لغزش هایی که در اینجا ممکن است پیش بیاید دچار نشویم لغزشگاه هایی وجود دارد. یک لغزش این است که ما بخشی از واقعیت ها را ببینیم بخش دیگری از واقعیت ها را نبینیم؛ این هم موجب خطاست؛ خطای در محاسبه را به دنبال خواهد داشت. واقعیت ها را باید با هم دید و دانست.

ملاحظه نسبت آرمان ها و واقعیت ها

جوان دانشجو و عنصر انقلابی نسبتش با آرمان های انقلاب چیست؟ آرمان های انقلاب بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست نسبت شما با آرمان ها اینچنین نسبتی است. اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک و همچنین جسارت یعنی خط شکنی ها که در جوان ها به عنوان خصیصه وجود دارد نباشد ما به آرمان ها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوان ها در زمینه ی دسترسی به آرمان ها و تحقق آرمان های انقلاب و آرمان های اسلامی دارای مسئولیت های بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند اگر بخواهیم مثال بزنیم باید بگوییم آرمان ها مثل قله اند. امام (ره) می گفتند. نگوید شکست بگوید عدم فتح یک جا پیروزی نصیب انسان میشود، بعضی ها هستند که اگر چنانچه جریان کار بر وفق مرادشان پیش آمد و به نقطه ی مورد نظر خودشان رسیدند از دنبال کردن آرمان ها دست میکشند این خطا است.

ملاحظه نسبت تکلیف و نتیجه

رابطه ی تکلیف مداری با دنبال نتیجه بودن چیست؟ امام (ره) فرمودند ما دنبال تکلیف هستیم آیا این معنایش این است که امام (ره) دنبال نتیجه نبود؟ چطور میشود چنین چیزی را گفت؟ امام بزرگوار که با آن شدت با آن حدت در سنین کهولت این همه سختی ها را دنبال کرد برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد. میشود گفت که ایشان دنبال نتیجه نبود؟ حتماً تکلیف گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند، برخلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد، والا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیادین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بودند، دنبال نتایج بودند.

لحظه شناسی

لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمایید کسانی در کوفه دل هاشان پر از ایمان به امام حسین (ع) بود، به اهل بیت محبت هم داشتند اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند پیش خدا هم مأجورند؛

اما کاری که باید بکنند آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را شناختند؛ عاشورا را شناختند؛ در زمان آن کار را انجام ندادند اگر کاری که توابع در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه ها و انجام کار در لحظه ی نیاز خیلی چیز مهمی است شناختن موقعیت فهمیدن نیاز حضور در لحظه ی مناسب و مورد نیاز این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد بتواند انجام بدهد.

تحلیل همزمان نقاط قوت و ضعف در مسائل

پیشرفت هایمان را باید بشناسیم ضعف هامان را هم باید بشناسیم اگر ضعف های خودمان را پنهان کنیم، شناسیم، تجاهل کنیم این ضعف ها خواهد ماند نهادهینه خواهد شد؛ بر طرف نخواهد شد. همه ی نقاط قوت و ضعف را باید بدانیم نقاط مثبت و منفی هر دو هست، افت و خیز هست، اما حرکت ادامه داشته است؛ این مهم است. جوان های عزیز ما بدانند؛ در طول این سی و دو سه سال مواردی شده است که ما ضعف نشان دادیم این حرکت افت و خیز داشته است. همیشه یک جور نبوده است؛ گاهی سرعت و شتاب گاهی کمتر اما حرکت هرگز متوقف نشده است و ما در همان جهت اصلی پیش رفتیم که امروز محصول آن را داریم مشاهده میکنیم.

توجه به شاخص ها

من از سابق مکرر گفته ام که اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد. اصحاب امام حسن (ع)، قدرت تحلیل نداشتند نمیتوانستند بفهمند که قضیه چیست و چه دارد میگذرد. اصحاب امیر المؤمنین (ع)، آنهایی که دل او را خون کردند همه مغرض نبودند؛ اما خیلی از آن ها - مثل خوارج - قدرت تحلیل نداشتند. قدرت تحلیل خوارج ضعیف بود یک آدم ناباب، یک آدم بد جنس یک آدم زبان دار پیدا میشد و مردم را به یک طرف میکشاند؛ شاخص را گم میکردند در جاده، همیشه باید شاخص مورد نظر باشد. اگر شاخص را گم کردید زود اشتباه میکنید امیرالمؤمنین (ع) میفرمود: «ولا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر» نهج البلاغه: خطبه (۱۷۳)؛ اول، بصیرت هوشمندی بینایی، قدرت فهم و تحلیل و بعد صبر و مقاومت و ایستادگی از آنچه که پیش می آید، انسان زود دلش آب نشود راه حق راه دشواری است.

مفهوم سازی و توجه به دلالت الفاظ بر معانی

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه ای این نهضت و این جریان هم بایستی واژه سازی بشود هم بایستی نهاد سازی بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح میشود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء میکند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه های بیگانه وام گرفت فضا آشفته خواهد شد مطلب ناگفته خواهد ماند. ما مردم سالاری را قبول داریم، آزادی را هم قبول داریم اما لیبرال دموکراسی را قبول نداریم با اینکه معنای لغوی لیبرال دموکراسی، «همین آزادی و همین مردم سالاری است اما واژه ی لیبرال دموکراسی در اصطلاح مردم عالم در معرفت و شناخت مردم عالم با یک مفاهیمی همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ مردم سالاری اسلامی یا جمهوری اسلامی یعنی

نام جدید انتخاب میکنیم یا برای تقسیم درست ثروت و استفاده ی همگان از ثروت های عمومی که یکی از اهداف والا و اساسی اسلام است از واژه ی سوسیالیسم استفاده نمیکنیم با اینکه سوسیالیسم هم از لحاظ معنای لغوی ناظر به همین معناست لیکن با یک مفاهیم دیگری همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم با یک واقعیت هایی در تاریخ و در جامعه همراه شده که ما آنها را قبول نداریم. لذا ما به جای استعمالات و اصطلاحاتی که بین چپ روها و مارکسیست ها و اینها معروف بود اصطلاح «استکبار» را اصطلاح استضعاف را اصطلاح مردمی بودن را مطرح کردیم و آوردیم ما آوردیم یعنی انقلاب آورد نه اینکه اشخاص خاصی در این زمینه تأثیر حتمی و قاطعی داشته باشند.

تأمل در افکار بازیگران سیاسی

باید دشمنی ها را شناخت مشکل ما این است. اینکه بنده مسئله ی بصیرت را برای خواص تکرار میکنم به خاطر این است. گاهی اوقات غفلت میشود از دشمنی هایی که با اساس دارد میشود؛ این ها را حمل میکنند به مسائل جزئی ما در صدر مشروطه هم متأسفانه همین معنا را داشتیم.

اصلی و فرعی کردن مسائل

در بسیاری از اوقات یک مسئله ی اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله ی اصلی بروند؛ باید مسئله ی قانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان میبینیم از یک گوشه ای یک صدایی بلند میشود یک مسئله ی حاشیه ای درست میکنند ذهن ها متوجه آن میشود. این مثل این میماند که در یک مسافرت مهمی کاروانی قطاری دارد حرکت میکند هدفش رسیدن به یک نقطه ی خاص است؛ ناگهان ذهن ها را مشغول کنند به یک چیز حاشیه ای در بیابان از راه باز بمانند احیاناً امکان ادامه ی حرکت هم از آنها گرفته شود. مسائل حاشیه ای نباید به میان بیاید. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند هوشمندند هوشیارند؛ میتوانند مسائل فرعی و حاشیه ای را از مسائل اصلی جدا کنند.

شنیدن همه ی سخنان و انتقادات و انتخاب بهترین

حرف هر کسی را ولو آن کسی که حرف میزند، جزو جریان شما و گروه شما و جبهه ی شما و هر چه که میخواهید اسمش را بگذارید، نیست گوش کنید؛ اگر دیدید حرف درستی است آن وقت «فیتبعون احسنه». حکمت قرآنی را ملاحظه کنید: یستمعون القول فیتبعون احسنه» (سوره زمر: ۱۸) باید استماع کرد؛ بعد هر چه بهتر است انسان قبول کند؛ ولو آن بهتر از زبان کسی در بیاید که انسان او را دوست ندارد قبول ندارد. این خیلی حالت خوبی است. اگر این پیش بیاید خیلی خوب است؛ بر خلاف اینکه انسان تا دید این کسی که پاشده جزو جناح مخالف است جزو گروه منفی است از نظر من از همان اول بنا بگذارد که او را رد کند. این به نظرم خیلی مسئله مهمی است.

شناخت نقشه دشمن

من از خودی ها مصراً میخواهم قدری ذهن خودشان را باز کنند و فکر خودشان را به کار بیندازند؛ بفهمند امروز دشمن کیست چه میخواهد و چه میکند و نقشه ی دشمن چیست - عقل این است. شما در جبهه ی جنگ باید بدانید که آیا این جهتی که تیراندازی میکنید بمباران میکنید همان جایی نیست که دشمن میخواهد بمباران شود؟ چرا شما کار دشمن را به عهده میگیرید؟

چرا جاده ی دشمن را هموار میکنید برای اینکه بتواند نیروهای خودی را دور بزند؟! مسئله این است. تأکیدی که ما همیشه میکنیم بر اینکه افراد قدرت تحلیل سیاسی داشته باشند برای این است که این گونه اشتباهات را نکنند. البته دشمنان نقابدار دشمنان دورو و منافق دشمنانی که حتی جرأت ظاهر شدن هم ندارند پشت عناصر صادق و سالم و احیاناً ساده، خود را پنهان میکنند! آنها را باید شناخت و هشدارشان داد امروز کشور و ملت، احتیاج دارد به اینکه مردم تیزبین و هوشیار باشند بیدار و دشمن شناس باشند.

ب) موارد سلبی

عدم برخورد سطحی با مسائل

امیرالمؤمنین (اسلام) میفرماید: «فانما البصیر من سمع ففکر و نظر فأبصر» نهج البلاغه خطبه ۱۵۳؛ بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید بیندیشد. هر شنیده ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. البصیر من سمع ففکر و نَظَرَ فأبصر» نظر یعنی نگاه کند چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه های بی بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. انسان باید نگاه کند؛ وقتی که نگاه کرد آنگاه خواهد دید ما خیلی اوقات اصلاً حاضر نیستیم یک چیزهایی را نگاه کنیم.

پرهیز از واقعیت پنداری

یک لغزشگاه واقعیت پنداری است؛ چیزهایی را که واقعیت ندارد انسان واقعیت تصور کند. دشمنانی که جبهه ای را در مقابل کشور ما، ملت ما انقلاب ما تشکیل دادند سعی میکنند واقعیت سازی کنند واقعیت نمایی کنند، یک چیزهایی را به عنوان واقعیت های مسلم در نظر ما جلوه گر کنند؛ در حالی که واقعیت ها آنها نیست. باید مواظب باشیم در گیر و دچار واقعیت سازی های خلاف واقع نشویم. فرض بفرمائید اگر چنانچه ما توان خودمان را بیشتر از واقع بدانیم، یا کمتر از آنچه که واقعیت است بدانیم دچار خطا خواهیم شد؛ توان دشمن را هم اگر بیشتر از آنچه که هست یا کمتر از آنچه که هست ببینیم دچار اشتباه محاسبه خواهیم شد. این از آنجاهایی است که طراحان دشمن وارد میدان میشوند. شما ملاحظه کنید؛ در تبلیغات گسترده ی رسانه ای دشمنان ما سعی میشود توان داخلی و ملی کشور تحقیر شود و کوچک شمرده شود؛ متقابلاً توان دشمن بیش از آنچه که هست معرفی شود؛ این یکی از لغزشگاه هاست. اگر ما از آن مقداری که دشمن باید مورد ملاحظه قرار بگیرد بیشتر او را محاسبه کردیم و بیشتر از او ترسیدیم قطعاً دچار خطای در محاسبه خواهیم شد؛ راه را عوضی خواهیم رفت؛ این یکی از لغزشگاه هاست. یکی از لغزشگاه ها در دیدن واقعیت بر میگردد به درون خود ما گاهی دلبستگی های ما فلج کننده است. دلبستگی های ما موجب میشود که ما یک چیزهایی را واقعیت بپنداریم که واقعیت ما تحمیل میکند؛ در حالی که واقعیت ندارد.

پرهیز از لجاجت

علمای اخلاق که در این رشته از رشته های دانش امروز بشری صاحب نظرند میگویند حتی من و شما میتوانیم خلقیات ارثی را نیز تغییر دهیم و عوض کنیم. مثلاً تنبلی ذاتی، حرص ذاتی، بخل ارثی، حسد ارثی و لجبازی ارثی را میتوان تغییر داد.

بعضی اشخاص لجبازند و هر چه انسان حقیقت را در مقابلشان قرار می دهد روی موضع لجوجانه خود اصرار میکنند چنین رویه ای انسان را از حقیقت دور میکند. فرد لجوج در ابتدای لجبازی هنوز اندکی نور حقیقت را میفهمد و احساس میکند که کارش بر اساس لجبازی است. اما وقتی لجاجت وی تکرار شد، دیگر آن اندک نور حقیقت را هم نمیفهمد در او باطن و اعتقاد و عقیده ای دروغین به وجود می آید که اگر به خود برگردد و تعمق کند میبیند اینکه در ذهن اوست، عقیده نیست عن ظهر القلب و از باطن جان نیست.

پرهیز از مغالطه گری

در مسائل مختلف از جمله مسائل داخلی باید مراقب بود تا مغالطه ها ما را به اشتباه در تحلیل گرفتار نکند. باید فکری بکنید تا این جریان های سالم دانشجویی - چه انجمن ها چه بسیج چه تشکل های گوناگون دیگری که بحمد الله امروز تشکل های دانشجویی خوبی در دانشگاه هست - در کنار حرکت فکری علمی به سمت یافتن قدرت تحلیل سیاسی کشانده شوند. قدرت تحلیل که نبود انسان فریب تحلیل فریبگر بیگانه را میخورد. در دنیای سیاست هیچ کسی صریحاً نمی آید بگوید که من میخواهم به تو ظلم کنم؛ نه به یک ملت، نه به یک شخص؛ این طور که نمیگویند. می آیند با مغالطه های سیاسی کاری میکنند که بتوانند بر او تسلط پیدا کنند. درست مثل مغالطه های فلسفی، ذهن طرف را با یک چشم بندی علمی - در واقع یک تردستی - منحرف میکنند. یک مغالطه ی سیاسی درست میکنند میخ خودشان را میکوبند. ما باید کاری کنیم که این جوان ما بتواند مغالطه را بشناسد؛ کما اینکه در فلسفه و منطق شناخت مغالطه یکی از هنرهاست. ما بتوانیم جوان خودمان را آشنا کنیم به اینکه مغالطه چیست تا بتواند مچ مغالطه کننده را بگیرد بگوید این قضیه ای که درست کردی اینجایش اختلال و اشکال دارد. قدرت تحلیل سیاسی این است؛ بایستی این را در جوان به وجود آورد.

عدم پیش داوری و نگاه جانبدارانه

بصیرت پیدا کردن کار سختی نیست بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام های گوناگون از دوستی ها، دشمنی ها، هوای نفسها و پیشداوری های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند، تدبر کند، میتواند واقعیت را پیدا کند. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است، تقوا در مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکلتر است، خیلی مهم تر است. یا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا، قول سدید، یعنی استوار و درست! اینجوری حرف بزنیم. کاملاً رعایت کنید، اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده ی حق تعدی کنیم.

پرهیز از آسان پنداری

ما دو نوع موانع داشتیم یکی موانع درونی یکی موانع بیرونی موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسان ها - چه تصمیم گیرانمان چه آحاد مردمان چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ اینها موانع درونی است موانع درونی ضعف هاست؛ ضعف های فکری است ضعف های عقلانی است راحت طلبی است آسان گرایی است آسان پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و

مشکلات کار مطابق با واقع یا لااقل نزدیک به واقع باشد. آسان پنداری هم مثل آسان گیری و سهل انگاری است؛ آن هم یکی از موانع راه است.

راحت طلب نبودن

گریز از چالش هم یکی از ضعف های درونی ماست به گریز از چالش بغلط میگویند عافیت طلبی عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ یا ولی العافیة نستلک العافیة عافیة الدنیا والآخرة». عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست به معنای درست عمل کردن بجا قدم گذاشتن بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است. عافیت از بلا مثل این است که بگوییم عافیت از گناه بنابر این عافیت طلبی چیز بدی نیست؛ لیکن بغلط به گریز از چالش میگویند عافیت طلبی یعنی در واقع همان راحت طلبی مواجهه ی با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن آماده نبودن برای مواجهه ی با مشکلات اینها ضعف های درونی ماست.

تردید نکردن

تردید، صفت بسیار بد و عنصر خطرناکی است. این تردید را با استدلال القاء نمیکنند؛ استدلالی وجود ندارد ... باید مراقب این بود. نه تنها شما بلکه همه ما باید مراقب این خطر باشیم هر کس در درجه ی اول باید مراقب دل خود و سپس مراقب دل مجموعه و مرتبطان به خود باشد. دل های سرشار از ایمان و معرفت و روشن بینی هرگز مغلوب و مرعوب نمیشوند برای مرعوب شدن مغلوب شدن تسلیم شدن و وادادگی اول باید در دل ها تردید ایجاد کرد. این تردیدها همیشه از راه مغز وارد نمیشود؛ گاهی از راه جسم هم وارد میشود خواسته ها و هوس های جسمانی میل به پول - که در بخشی از دعای صحیفه ی سجادیه؛ همان دعایی که در ایام جبهه خیلی از جوانان ما آن را میخواندند و حصن ثغور المسلمین (صحیفه سجادیه دعای ۲۷) آمده است که فکر مال فتون مال فتنه انگیز را از دل آنها ببر - مال فتنه انگیز، جاه طلبی مقام طلبی راحت طلبی عیش طلبی و تجمل طلبی چیزهایی است که تردید را از طریق جسم و شهوات وارد دل و مغز انسان میکند. مراقب این ها باشید راحت طلبی رفاه طلبی و عیش طلبی، چیزهایی است که بتدریج در انسان اثر میگذارد و خود انسان هم اول نمیفهمد یک وقت میخواهد حرکت کند میببند نمیتواند؛ میخواهد پرواز کند میببند نمیتواند مراقب باشید مجموعه را حفظ کنید ذهن ها و دلها و فکرها و ایمان ها را مورد پاسداری دقیق قرار دهید؛ این سفارش همیشگی من است.

پرهیز از عصبانیت

در جمع مؤمنین در بین افرادی که مأمور به رفتار مسلمانی با آنها هستیم خشم و حالت عصبانیت نباید باشد. خشم به انسان ضرر میزند. تصمیم گیری با خشم مضر است؛ حرف زدن با خشم مضر است؛ کار کردن با خشم، مضر است؛ غالباً دچار غلط و اشتباه است؛ این چیزی است که ماها متأسفانه خیلی ابتلاء پیدا میکنیم جلوگیری از این خشم خشمی که موجب انحراف میشود موجب خطای در فکر و عمل میشود یکی از موارد تقواست؛ «و کظم الغیظ» صحیفه سجادیه دعای ۱۲۰.

مذاکره با آمریکا

موضوع اصلی که من امروز می‌خواهم قدری درباره آن صحبت کنم، جنجال تبلیغاتی ای است که در این یکی دو هفته ی اخیر در مورد مناسبات ایران و آمریکا به عنوان یک خبر تازه از ایران همه ی دنیا را متوجه به خود کرده است. همان طور که در آن خطبه ی قبلی تا حدودی اشاره شد، دستگاه های عمدتاً آمریکایی و دنبال راه روان شان یک شگرد تبلیغاتی را دنبال میکنند، برای اینکه در جهت مقاصد و اغراض خودشان دروغی را به شکل واقعیت جلوه دهند و واقعیتی را به کلی بیوشانند، که من امروز قدری در این زمینه صحبت خواهم کرد. البته این موج تبلیغاتی عمدتاً از طرف دستگاه های تبلیغاتی خارج از کشور است؛ منتها در داخل هم انعکاس دارد. بعضی از کسانی که پایداری های انقلابیشان آن قدر نیست که ما از متصدیان امور مطبوعاتی توقع داریم، متأسفانه در برخی از مطبوعات همان گونه مشی میکنند که دشمنان انقلاب و دشمنان ملت ایران و عوامل وابسته به استکبار در دنیا یا مثلاً در کشور آمریکا مشی میکنند این هم جای تأسف است.

توجه به شاخص ها

من ابتدا لازم است عرض کنم که در آن مصاحبه همه ی مواضع اصولی ما در زمینه ی رابطه با آمریکا و اسرائیل به خوبی بیان شد. آنچه راجع به رابطه با آمریکا لازم بود گفته شود گفته شد؛ آنچه راجع به اسرائیل، راجع به مبارزان فلسطینی و بعضی قضایای داخلی لازم بود گفته شود، بیان شد. من دعا کردم هم ایشان راه هم وزیر امور خارجه را و هم بعضی مسئولان دیگر را که در این زمینه ها مواضع خوبی گرفتند. حال چیزهایی هم ممکن است مربوط به سلايق و لحن ها باشد، با آنها کاری نداریم. آنچه اصولی و مهم بود. همین مسائل مربوط به رابطه و مذاکره و حکومت صهیونیستی بود که اینها خوب گفته شد و مطالب خوبی بود.

عدم برخورد سطحی با مسائل

اهداف جنجال تبلیغاتی آمریکایی ها - عمدتاً - و مخالفان ما در دنیا چیست. اینکه دائماً میگویند ایران میخواهد با آمریکا مذاکره کند؛ ایران میخواهد بتدریج رابطه با آمریکا برقرار کند هدفشان از این حرفها چیست؟ چه میخواهند؟ مخالفان ما به دنبال چه چیزی هستند؟ آنچه مسلم است. دنبال خیر جمهوری اسلامی و خیر ملت ایران نیستند؛ اینکه واضح است تا به حال در طول این نوزده سالی که از انقلاب میگذرد، هم حکومت آمریکا هم مطبوعات آمریکا و هم رسانه ها و تلویزیون ها و رادیوهای آمریکا تا آنجایی که توانستند، به ملت ایران ضربه زدند، خنجر از پشت زدند اهانت روا داشتند خیانت کردند و دروغ پرداختند. در هشت سال جنگی که ما داشتیم و در قضایای اقتصادی یک جا اینها به نفع ما کار نکردند؛ حال هم از همان قبیل است.

مفهوم سازی

شناخت نقشه دشمن

هدف اینها چیست؟ هدف حکومت آمریکا و دستگاه امپراتوری خبری آمریکایی از این حرفها چیست که مرتب میگویند: ایران میخواهد مذاکره کند؟

هدف چند چیز است: یکی اینکه میخواهند آن چیزی را که تا امروز وسیله وحدت ملت ایران بوده است، به وسیله اختلاف ملت ایران تبدیل کنند. تا به حال ملت ایران میدانستند دولت آمریکا دشمن آنهاست، در مقابل دشمنی آمریکا، اگر یک وقت اختلافات جزئی هم داشتند، کنار میگذاشتند و متحد میشدند.

هدف دوم این است که میخواهند که تکرار این قضیه، قضیه ای را که در چشم ملت ایران، به دلایلی منطقی، یکی از زشت ترین چیزهاست، قبحش را از بین ببرند.

هدف سوم این است که اصل مذاکره با ایران، برای آمریکا به عنوان ابرقدرت، بسیار مهم است، ممکن است، بعضی تعجب کنند و بگویند مگر ایران چیست که برای آمریکای ابرقدرت، مهم است که با ایران پشت میز مذاکره بنشینند؟ بله، بسیار مهم است. اتفاقاً چون ابرقدرت است، برایش خیلی مهم است. ابرقدرت یعنی که از همه قدرتهای سیاسی دنیا بالاتر است و میتواند اراده ی خود را بر آنها تحمیل کند.

این مطلبی که عرض میکنم حرفی است که صاحب نظران سیاسی آمریکا از گفتن آن ابایی ندارند. در مطبوعات آمریکایی مقالات سیاسی فکری با همین مضمون چاپ میشود. در همین حدود یک ماه پیش در یکی از مطبوعات آمریکایی دیدم که یک نویسنده معروف سیاسی نویسنده آمریکایی به دنیا خطاب میکرد که چه عیبی دارد که در رأس یک امپراتوری واحد جهانی آمریکا قرار داشته باشد؟! آمریکا امروز چنین و چنان است! آنها اصلاً ادعایشان این است، دنبال این هستند.

کل نگری

حال ابرقدرتی با این همه ادعا، با این همه باد و بروت جهانی و سیاسی، یک جا هست که برایش ارزش و اعتبار و احترامی قائل نمیشوند، آن یک جا کجاست؟ جمهوری اسلامی ایران.

برای آمریکا مهم است که ایران اسلامی که از روز اول به دلایل روشنی در مقابل آمریکا ایستاد و تسلیم آمریکا نشد و گفت که با آمریکا مذاکره نمیکنیم، حالا بگوید که بسیار خوب، چشم.

نکته دوم برای اینکه مذاکره با ایران برای آمریکا اهمیت دارد این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه دنیا بیدار شود؛ در آسیا در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه ای را به نحوی شروع کنند. بعضی از این مبارزات مبارزات سیاسی با دولت هاست. بعضی از این مبارزات مبارزات اصلاحی است؛ بالاخره مشغول مبارزه هستند. همه ی اینها از این قله جمهوری اسلامی و امام و این ملت سرازیر شده اند.

اگر جمهوری اسلامی با آمریکا پشت میز مذاکره بنشیند، آمریکاییها خیالشان از این جهت راحت میشود، به هر جایی در دنیا میگویند، شما برای چه تلاش میکنید؟ شما که مثل ایران نخواهید شد، به پای ایران که نخواهید رسید! آنها هم بالاخره مجبور شدند و اینجا پای میز مذاکره آمدند، شما دیگر چه میگوئید.

یک نکته دیگر هم هست که موجب میشود حقیقتاً برای آمریکاییها به عنوان یک ابر قدرت، مهم باشد و آن این است که در مصاف دو قطب مبارز که الان نوزده یا بیست سال است که در صحنه ی سیاسی عالم، مبارزه میکنند - قطب استکبار از یک

طرف و قطب اسلام از طرف دیگر، قطب استکبار به رهبری آمریکا، قطب اسلام به محوریت نظام جمهوری اسلامی که تا به حال هم گسترش و پیشرفت، متعلق به قطب اسلام بوده است - شما هر چه صحنه دنیا را نگاه میکنید، میبینید کشورهای که بوی حرکت و نهضت اسلامی در آنها استشمام نمیشد، وضعی برایشان به وجود آمد که حکومت های اسلامی در آنها به وجود آید. تا به حال در برخورد این دو قطب مبارز با یکدیگر، پیشرفت و مبارزه و پیروزی متعلق به قطب اسلام بوده است. قطع رابطه ما با آمریکا - اول این را بیان میکند که این وضع نتیجه رفتار و وضع طبیعی استکبار آمریکایی است؛ در واقع، نتیجه مظلومیت ملت ایران است. حرف دوم این است که مذاکره با آمریکا، هیچ فایده ای برای ملت ایران ندارد. حرف سوم این است که مذاکره و رابطه با آمریکا برای ملت ایران ضرر دارد.

افزایش آگاهی تاریخی

این قطع رابطه ناشی از رفتار آمریکاست. سیاست دولت آمریکا از سال های ۱۳۲۰ به بعد - تقریباً سال های بیست و یک و بیست و دو - وارد کشور ما شد؛ بتدریج آمدند و نفوذ پیدا کردند و یواش یواش جای انگلیسیها را گرفتند. در طول این تقریباً بیست و هفت هشت سالی که آمریکایی ها در این کشور حضور قدرتمندانه داشتند، همه ی اهانت ها و بدیها و ستمگری هایی که یک دولت مستکبر با یک ملت مظلوم میتواند انجام دهد، انجام دادند؛ منابع را بردند، رژیم مستبد پهلوی را تقویت کردند به مسئولان ما اهانت کردند، به مردم اهانت کردند. کاپیتولاسیون را آوردند حکومت های ملی را سرنگون کردند و خیلی جنایات که واقعاً اگر کسی بخواهد جنایات آمریکا را در طول مدت تقریباً بیست و هفت هشت سال قبل از انقلاب بنویسد یقیناً یک کتاب قطور خواهد شد.

امروز آمریکایی ها وقتی میخواهند تاریخ دشمنی های بین دولت آمریکا و دولت ایران را بیان کنند، از قضیه ی سفارت شروع میکنند در زمان ریاست جمهوری در سالی که به سازمان ملل رفته بودم، اولین حرفی که خبرنگار در هنگام مصاحبه با من مطرح کرد مسئله سفارت بود که شما اعضای سفارت ما را به گروگان گرفتید در حالی که تاریخ از آنجا شروع نمیشود؛ قبل از این قضیه است. اگر قضایای قبل را بگوییم، میگویند اینها متعلق به گذشته است اگر متعلق به گذشته است، قضیه ی سفارت مگر متعلق به گذشته نیست؟ آن را همیشه به عنوان حرکتی مطرح میکنند که چرا شما به ما حمله کردید؛ در حالی که در واقع این یک حرکت متقابل ناشی از خشم انقلابی ملت ایران بود. مردم ایران نجابت کردند که آنها را به قتل نرساندند؛ والا اگر جوانان ما میخواستند بی مراعاتی کنند و بی تقوایی به خرج دهند، همان جا نابودشان میکردند؛ اما این کار را نکردند جان آنها را حفظ نمودند و بعد از مدتی هم به دستور امام که به مجلس محول کردند، آزاد شدند و رفتند.

در سال گذشته به مناسبت قانون «داماتو» قرارداد شرکت خودشان با شرکت گاز ما را ابطال کردند. قانونی گذراندند که هیچ شرکتی حق ندارد از فلان مبلغ بیشتر با ایران معامله نفتی کند. اولاً همان شرکت به مسئولان ما پیغام داد که ما ناراحتیم و در اولین فرصتی که بتوانیم باز قرارداد را میبندیم الان یکی از مشکلات آمریکا همین شرکتهایی هستند که نمیتوانند بیایند در کارهای نفتی مربوط به ما در خلیج فارس سرمایه گذاری کنند شرکتهای نفتی آمریکا به شدت ناراحتند. مربوط به حالا هم

نیست؛ مربوط به تقریباً یک سال اخیر است. روی دولت فشار آوردند اجتماع درست کردند، قطعنامه درست کردند؛ لذا همان تلاشها توانسته است تا حدود زیادی آن قانون آمریکایی «داماتو» را تضعیف کند. پس آنها بیشتر احتیاج دارند. ثانياً به مجرد اینکه آن شرکت آمریکایی در سال گذشته قرارداد خود را با شرکت گاز ما فسخ کرد، به فاصله کوتاهی یک شرکت فرانسوی آمد و داوطلب انعقاد قرارداد شد. آمریکاییها بنا کردند، به جنجال کردن که چرا میخواهید قرارداد ببندید؟ دولت فرانسه، بلکه بعداً همه جامعه اروپا ایستادند و گفتند که باید این قرارداد با ایران بسته شود و آمریکا نباید بتواند حرف خودش را در این قضیه سبز کند. صفحه ۳۱ سمت راست

خیال نکنید که حالا اگر با آمریکا رابطه برقرار شد یا مذاکره شد دیگر از سوی آمریکا، اندکی حرف نازکتر از گل هم به جمهوری اسلامی گفته نخواهد شد؛ نه بسیاری از کشورها با آمریکا رابطه هم دارند خیلی هم روابط شان علی الظاهر در سطح جهانی خوب و صمیمی و مؤدبانه است؛ در عین حال آمریکا هر جایی که لازم باشد، ضربه خودش را میزند؛ محاصره اقتصادی میکند تحریم میکند آمریکاییها مستکبرند آدم مستکبر و دولت مستکبر دنبال سبز کردن حرف خودش است. بنابراین این طور نیست که رابطه برای کشور ما فایده ای داشته باشد؛ که اگر رابطه نباشد یا مذاکره نباشد این مشکلات به وجود خواهد آمد و اگر این مذاکره و رابطه انجام شد مشکلات از بین خواهد رفت؛ نه، آمریکا برای ایجاد مشکلات آن چنان دستش باز است و نه رابطه و مذاکره این چنین معجزه گری ای برای رفع مشکلات دارد هیچکدام از اینها نیست؛ بسته به توان ملت است بسته به عرضه یک حکومت است بسته به اقتدار و عزت خواهی ماست که بتوانیم در مقابل آمریکا بایستیم و بر طبق اراده و بر طبق مصالح کشورمان اقدام کنیم

این ملت در طول دوران طولانی تقریباً بیش از صد و پنجاه سال - یعنی از اواسط دوران ناصرالدین شاه قاجار تا روز انقلاب - همیشه زیر چتر قدرت ها و زیر بار قدرت های خارجی بود. حالا سلاطین قبلی اگر مستبد بودند، بد بودند، ظالم بودند، ملعون بودند هر چه بودند اقلاً عزت کشور ایران و ملت ایران را حفظ میکردند و زیر بار بیگانه ها نبودند. از اواسط و اواخر دوران ناصرالدین شاه قاجار، نفوذ خارجی ها و دخالت های خارجی ها در امور ایران شروع شد و مرتب زیاد گردید تا به دوران پهلوی رسید و ایران یکسره به دست خارجی ها افتاد رضاخان را انگلیسی ها آوردند؛ او در مشیت انگلیسی ها بود. بعد که رضاخان را بردند محمدرضا را خودشان آوردند؛ او هم کاملاً در مشیت انگلیسی ها بود. بعد از چند سالی هم آمریکایی ها با پول و امکانات وارد میدان شدند. کشور ایران و سرنوشت ملت ایران در دست خارجیها بود. ملت ایران توانست این خفت و این اهانت و این جسارت به خودش را در انقلاب جواب دهد.

تحلیل کلان انقلاب اسلامی

ما در آستانه ی ورود در دهه ی چهارمیم نزدیک به سی سال گذشته؛ معمولاً در یک چنین دورانی نگاه به یک حادثه - مثل حادثه ی عظیم انقلاب - یک نگاه همراه با قضاوت و داوری در مورد کارکرد هاست. اگر چه در سی سالگی انقلاب هنوز در عنفوان جوانی است؛ در این شک نیست نیروی انقلاب بحمد الله خیلی زیاد است، مخصوصاً این انقلاب - لیکن در عین حال در دوره ی سی ساله وقتی انسان نگاه میکند یک داوری ای نسبت به عملکرد و توفیق و کارآمدی برای انسان پیش می آید ما

در این داوری باید اشتباه نکنیم؛ و این جز با یک نگاه کلان امکان پذیر نیست. چه در شکل ها چه در مجموعه های دانشجویی، چه با خودتان اگر ما نگاه کلان به انقلاب و حادثه ی پدید آمدن جمهوری اسلامی بکنیم جزئی نگری ها نمیتواند ما را گمراه کند. گاهی جزئی نگری و نگاه نکردن مسیر مستمر از ابتدا تا از ز ابتدا تا انتها انسان را گمراه میکند؛ حتی گاهی آدم را گم میکند هدف را گم میکند.

یکی دیگر از ضعف های درونی عبارت است از تربیت های اجتماعی موجود و عادت های تاریخی که این ها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود شما جوانها شاید از حالات روانی و تربیت های تاریخی ما در هنگامی که انقلاب پیروز شد، تصویر درستی نداشته باشید. امروز ما میبینیم که عنوان ما میتوانیم در همه هست. واقعاً هم اگر بگویند آقا شما میتوانید بزنید روی دست صنعتگران پیشرو دقیق ترین و ظریف ترین صنایع دنیا، شما میگوئید بله اگر همت کنیم تلاش کنیم میتوانیم واقعاً جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری میداند؛ امروز، آن روز ما نمیتوانیم بود. این آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده ی از دوران گذشته است. توسری خوری شنیدن زور دیدن فسق در کسانی که از آنها جامعه توقع عدالت و انصاف و طهارت و پاکیزه دامن دارد عادت شده بود.

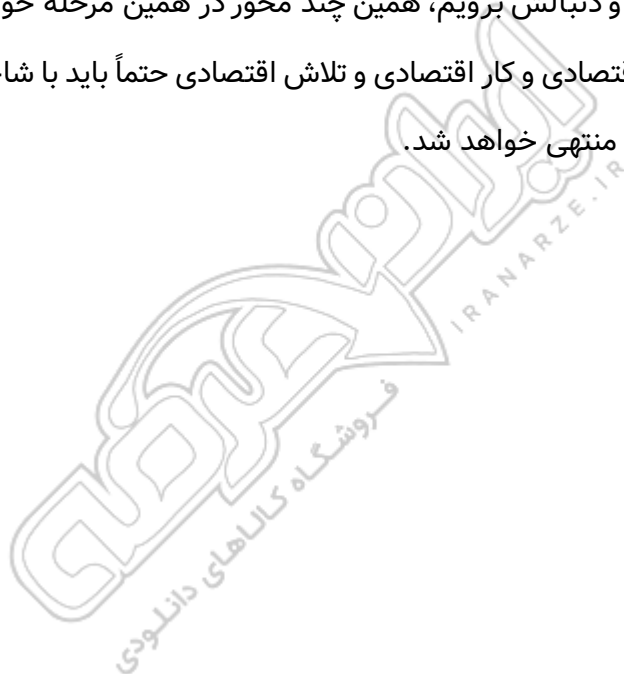
این موانع را همه ی این موانع جزو سنت های الهی است وجود این موانع تصادفی نیست اینها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است والا جهاد معنا نمیداشت: «و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس والجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» (سوره انعام: ۱۱۲) در همه ی دعوت های انبیاء دشمنان - موانع از جن و انس وجود داشتند در آیه ی دیگر: و کذلک جعلنا فی کل قریة اکابر مجرمیها لیمکروا فیها و ما یمکرون الا بانفسهم» (سوره انعام: ۱۳۳) در درون جوامع طبقاتی که وجود آنها مایه ی فساد مایه ی مکر بوده است؛ اینها جزو سنت هاست. یعنی هرگز انبیاء نگفتند ما آن وقتی که جاده صاف است وارد میدان میشویم.

در سوره ی مبارکه ی فتح آمده است: «و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدار ثم لا یجدون ولی و لا نصیرا، سنة الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا» (سوره فتح: ۲۲ و ۲۳)؛ اگر بایستید اگر استقامت کنید اگر هدف را گم نکنید اگر تلاش را متوقف نکنید بدون تردید غلبه در این عرصه با شماست حاصل حرف من همین است

یک برهه ای از زمان نگاه به پیشرفت نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آن ها رفتند این ها هم باید بروند؛ تصورشان این بود خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمیدیدند؛ در حد همین کشورهای مثل کره ی جنوبی میدیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزنانگان نقشه ی پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه ی پیشرفت به شیوه ی غربی امروز مخصوص ملت های شرق نیست، مخصوص ما نیست؛ خود اندیشمندان غربی خود فرزنانگان غربی زبان به انتقاد گشوده اند؛ هم در زمینه های اقتصادی هم در زمینه های اخلاقی هم در زمینه های سیاسی همان چیزی که به آن افتخار میکردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد انتقاد است؛ پس این هم نقشه ی پیشرفت نیست. این باید تدوین شود باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همین که ما فهمیده ایم

که باید برگردیم به نقشه ی اسلامی ایرانی این خودش موفقیت بزرگی است. خوب این مسیر پیشرفت است. مسیر پیشرفت مسیر غربی نیست مسیر منسوخ و بر افتاده ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست بحران هایی که در غرب اتفاق افتاده است همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحران ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم.

یک عنصر دیگری که باز با جوانها باید درمیان گذاشت، مسئله تدین است. جوانهای عزیز! تدین، رعایت دینی، در حد وسیع و امکان، این ماه ی توجهات الهی است، مایه ی توفیقات انسانی است، مایه ی پیشرفت است. این را دست کم نگیرید. با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامن قدس الهی و ذیل عنایت الهی میتوان خیلی کارهای دشوار را انجام داد. پس علم یکی از این محورهای اصلی است؛ اتحاد یکی از محورهای اصلی است؛ تدین یکی از محورهای اصلی است؛ اقتصاد کشور هم یکی از محورهای اصلی است. اگر ما اینها را در این دوره ی از زمان با این شعار نوآوری که به شکوفایی قطعاً منتهی خواهد شد عملیاتی و اجرایی کنیم و دنبالش برویم، همین چند محور در همین مرحله خواهد توانست دشمن را به شکست بکشاند بدون تردید البته فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاقول عدالت باشد. بدون عدالت هر تلاش اقتصادی به ضرر منتهی خواهد شد.



❖ فصل دوم: نکات مهم روش تحلیل سیاسی آیت الله العظمی خامنه ای

۱- تحلیل سیاسی از مباحث مهم و رایج در علوم اجتماعی و سیاسی است و هر کدام از مکاتب و گونه های اندیشه ای از زاویه ی نگاه خود به آن نگرسته اند. جامعه ای که خود را ملزم به تفکر درباره ی پدیده های سیاسی میداند نحوه ی صحیح تفکر در مورد این پدیده ها نیز برایش مهم خواهد بود، زیرا بر پایه ی تحلیل پدیده های سیاسی و اجتماعی است که انسان به قضاوت می نشیند، تصمیم می گیرد و عمل میکند.

۲- چگونه میتوان تحلیل درست داشت؟ برای تحلیل درست یک پدیده ی سیاسی باید روش و منطق درست داشت. الزام روشی به عنوان یک شاخص مهم در مباحث روز علمی مرتبط با تحلیل سیاسی مورد توجه جدی است. روش در یک عبارت اصطلاحی میتواند مبتنی بر سه گزاره باشد: مجموعه ی راه های کشف مجهول، مجموعه ی قواعد هنگام پژوهش و مجموعه ی ابزار و فنون

۳- توصیف، تفسیر و تحلیل سیاسی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ توصیف سیاسی، بررسی و بیان یک رویداد است به صورت سطحی و بیان واقعیت آن گونه که هست. در واقع توصیف سیاسی گزارش دقیق از چگونگی و روند رویدادهای سیاسی است و لذا به حریم علت ها راه پیدا نمیکند. تحلیل در تحلیل سیاسی به معنی شکستن کل و نه کلی به قسمت های مختلف به منظور تعیین ماهیت آن است. پس تحلیل سیاسی ناظر بر این است که پدیده یا رویداد سیاسی به عنوان یک کل در نظر گرفته شود آنگاه آن پدیده به اجزاء و واحدهای کوچک تر تقسیم گردد سپس این اجزاء بررسی شود و پس از آن نیز ارتباط اجزاء با یکدیگر و همچنین در رابطه با کل پدیده مورد توجه دقیق و منطقی قرار گیرد.

۴- تحلیل سیاسی روشمند چه کاربردهایی دارد؟ تحلیل سیاسی روشمند میتواند به ارتقاء آگاهی بینش و بصیرت جامعه کمک شایانی کند. با این ابزار است که فرد در جامعه ضمن شناخت منطقی و صحیح پدیده های سیاسی، در فضای غبار آلود فتنه و در هنگام در هم آمیختگی حق و باطل میتواند گرفتار حیرت نشود و در لحظات حساس که باید نقش تاریخی و تکلیف شرعی خود را انجام دهد قادر باشد با استفاده ی مناسب از ابزار و فنون تحلیل سیاسی به تصمیمی مناسب دقیق و صحیح برسد.

۵- جهان بینی توحید: انسان در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی با نگاه توحیدی به جهان طبیعت یک بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است با نگاه توحیدی این جهان یک مجموعه ی نظام مند است یک مجموعه ی قانون مدار است طبیعت هدفدار است. ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم وجودمان پیدایش مان و زندگیمان هدفدار است؛ بی هدف به دنیا نیامدیم این لازمه ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم آنگاه در جستجوی آن هدف بر می آییم.

۶- انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی های شرایط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم یکی را اثبات کنیم یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید باید شور انقلابی را حفظ کنید باید با مشکلات هم بسازید باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید.

۷- در شناخت مسائل دینی و اجتماعی باید از لایه های سطحی عبور و به لایه ها و سطوح زیرین دست پیدا کرد. تأکید بر قشر و پوسته ی موضوعات دینی و اجتماعی راهکار مناسبی برای شناخت و فهم مناسب آنها نمی باشد. البته باید توجه کرد از لوازم مهم و مناسب تقویت معرفت دینی و سیاسی تدبیر و انس با قرآن و ادعیه ی مأثوره، توجه به زندگی و رفتار دینی و اجتماعی پیامبر اکرم (ص) و ژرف اندیشی در تاریخ گذشته ایران و جهان می باشد. (تعمیق معرفت دینی به وسیله انس با قرآن و ادعیه - مطالعه دقیق زندگانی پیامبر اسلام (ص) - مطالعه تاریخ معاصر - مطالعه تاریخ غرب)

۸- توجه به خودسازی معنوی: والذین كفروا أولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات» (سوره بقره: ۱۲۵۷) وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد وقتی هوی های نفس - که طاغوت حقیقی اند و در وجود خود ما بدرت از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه طلبی ها و حسادت ها و دنیا طلبی ها و هوی پرستی ها و شهوترانی ها جلوی چشم ما را بگیرند واقعیات را هم نمیتوانیم مشاهده کنیم. این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند بعضی نمی بینند بعضی درک نمیکنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل حتی درک هم میکنند، اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ اینها همه عوارض هوای نفس است.

۹- آزادی یکی از بزرگترین نعمت های الهی است که یکی از شعبش آزاد اندیشی است. بدون آزاد اندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد در حوزه های علمیه دانشگاه و محیط های فرهنگی و مطبوعاتی هو کردن کسی که حرف تازه ای می آورد یکی از بزرگترین خطاهاست بگذارید آزادانه فکر کنند. توسعه ی آزادی و رها بودن میدان برای پرورش فکر و اندیشه و علم و فهم ربطی به اینها ندارد. ظرافتی لازم است که آدم این دو منطقه را از همدیگر باز بشناسد و مرز این ها را معین بکند. آزادی و آزاداندیشی یکی از مبانی اصلی اصولگرایی است.

۱۰- رفتارهای قبیله گرایانه: میل به رفتارهای قبیله ای در میدان سیاست در میدان اقتصاد از نقاط ضعف ماست. رفتار قبیله ای معنایش این است که تخطئه یا تأییدی که نسبت به کار کسی میکنم ناشی نباشد از ماهیت عمل او ناشی باشد از نحوه ی ارتباط او با من اگر از قبیله ی ما کسی کار خطائی انجام داد راحت قابل اغماض باشد؛ اما از قبیله ی مقابل اگر همان کار را انجام داد این قابل پیگیری و تعقیب میشود کار خوب اگر از کسی که مربوط به قبیله ی ماست انجام گرفت قابل تحسین و تشویق باشد؛ اگر از قبیله ی دیگر بود نه رفتار قبیله ای این است. این رفتار اسلامی نیست انقلابی نیست.

۱۱- آن کسی که برای انقلاب برای امام برای اسلام کار میکند، به مجردی که ببیند حرف او حرکت او موجب شده است که یک جهت گیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. وقتی می بینند سران ظلم و استکبار عالم از این ها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و این هایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی هم در دوره ی تاریخی صد سال و دویست ساله ی تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند.

۱۲- واقعیت هایی وجود دارد که اگر ما این واقعیت ها را در محاسبات خودمان نیاوریم قطعاً در قضاوت اشتباه خواهیم کرد؛ در انتخاب راه هم اشتباه خواهیم کرد. این واقعیتها را باید دید ما وقتی که میخواهیم آرمان گرایی همراه با واقع بینی داشته باشیم - یعنی واقعیت ها را ببینیم بر اساس واقعیت ها حرکت خودمان را تنظیم کنیم - باید توجه کنیم که به لغزش هایی

که در اینجا ممکن است پیش بیاید دچار نشویم لغزشگاه هایی وجود دارد. یک لغزش این است که ما بخشی از واقعیت ها را ببینیم بخش دیگری از واقعیت ها را نبینیم؛ این هم موجب خطاست؛ خطای در محاسبه را به دنبال خواهد داشت. واقعیت ها را باید با هم دید و دانست.

۱۳- امیرالمؤمنین (ع) میفرمود: «و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر» نهج البلاغه: خطبه (۱۷۳)؛ اول، بصیرت هوشمندی بینایی، قدرت فهم و تحلیل و بعد صبر و مقاومت و ایستادگی از آنچه که پیش می آید، انسان زود دلش آب نشود راه حق راه دشواری است.

۱۴- مفهوم سازی و توجه به دلالت الفاظ بر معانی: یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه ای این نهضت و این جریان هم بایستی واژه سازی بشود هم بایستی نهاد سازی بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح میشود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء میکند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه های بیگانه وام گرفت فضا آشفته خواهد شد مطلب ناگفته خواهد ماند.

۱۵- امیرالمؤمنین (اسلام) میفرماید: «فانما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر» نهج البلاغه خطبه ۱۵۳؛ بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید بیندیشد. هر شنیده ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. البصیر من سمع فتفکر و نَظَرَ فأبصر» نظر یعنی نگاه کند چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه های بی بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند.

۱۶- امیرالمؤمنین (اسلام) میفرماید: «فانما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر» نهج البلاغه خطبه ۱۵۳؛ بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید بیندیشد. هر شنیده ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. البصیر من سمع فتفکر و نَظَرَ فأبصر» نظر یعنی نگاه کند چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه های بی بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند.

۱۷- پرهیز از لجاجت: علمای اخلاق که در این رشته از رشته های دانش امروز بشری صاحب نظرند میگویند حتی من و شما میتوانیم خلقیات ارثی را نیز تغییر دهیم و عوض کنیم. مثلاً تنبلی ذاتی، حرص ذاتی، بخل ارثی، حسد ارثی و لجبازی ارثی را میتوان تغییر داد. بعضی اشخاص لجبازند و هر چه انسان حقیقت را در مقابلشان قرار می دهد روی موضع لجوجانه خود اصرار میکنند چنین رویه ای انسان را از حقیقت دور میکند.

۱۸- پرهیز از مغالطه گری: در مسائل مختلف از جمله مسائل داخلی باید مراقب بود تا مغالطه ها ما را به اشتباه در تحلیل گرفتار نکند. باید فکری بکنید تا این جریان های سالم دانشجویی - چه انجمن ها چه بسیج چه تشکل های گوناگون دیگری

که بحمد الله امروز تشکل های دانشجویی خوبی در دانشگاه هست - در کنار حرکت فکری علمی به سمت یافتن قدرت تحلیل سیاسی کشانده شوند.

۱۹- راحت طلب نبودن: گریز از چالش هم یکی از ضعف های درونی ماست به گریز از چالش بغلط میگویند عافیت طلبی عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ یا ولی العافیة نستلک العافیة عافیة الدنیا والآخرة». عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست به معنای درست عمل کردن بجا قدم گذاشتن بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است.

۲۰- پرهیز از عصبانیت: در جمع مؤمنین در بین افرادی که مأمور به رفتار مسلمانی با آنها هستیم خشم و حالت عصبانیت نباید باشد. خشم به انسان ضرر میزند. تصمیم گیری با خشم مضر است؛ حرف زدن با خشم مضر است؛ کار کردن با خشم، مضر است؛ غالباً دچار غلط و اشتباه است؛ این چیزی است که ماها متأسفانه خیلی ابتلاء پیدا میکنیم جلوگیری از این خشم خشمی که موجب انحراف میشود موجب خطای در فکر و عمل میشود یکی از موارد تقواست؛ «و کظم الغیظ» صحیفه سجادیه دعای ۱۲۰.

۲۱- دستگاه های عمدتاً آمریکایی و دنباله روان شان یک شگرد تبلیغاتی را دنبال میکنند، برای اینکه در جهت مقاصد و اغراض خودشان دروغی را به شکل واقعیت جلوه دهند و واقعیتی را به کلی بپوشانند، که من امروز قدری در این زمینه صحبت خواهم کرد. البته این موج تبلیغاتی عمدتاً از طرف دستگاه های تبلیغاتی خارج از کشور است؛ منتها در داخل هم انعکاس دارد. بعضی از کسانی که پایبندی های انقلابی شان آن قدر نیست که ما از متصدیان امور مطبوعاتی توقع داریم، متأسفانه در برخی از مطبوعات همان گونه مشی میکنند که دشمنان انقلاب و دشمنان ملت ایران و عوامل وابسته به استکبار در دنیا یا مثلاً در کشور آمریکا مشی میکنند این هم جای تأسف است.

۲۲- هدف اینها چیست؟ هدف حکومت آمریکا و دستگاه امپراتوری خبری آمریکایی از این حرفها چیست که مرتب میگویند: ایران میخواهد مذاکره کند؟

هدف چند چیز است: یکی اینکه میخواهند آن چیزی را که تا امروز وسیله وحدت ملت ایران بوده است، به وسیله اختلاف ملت ایران تبدیل کنند. تا به حال ملت ایران میدانستند دولت آمریکا دشمن آنهاست، در مقابل دشمنی آمریکا، اگر یک وقت اختلافات جزئی هم داشتند، کنار میگذاشتند و متحد میشدند.

هدف دوم این است که میخواهند که میخواهند با تکرار این قضیه، قضیه ای را که در چشم ملت ایران، به دلایلی منطقی، یکی از زشت ترین چیزهاست، قبحش را از بین ببرند.

هدف سوم این است که که اصل مذاکره با ایران، برای آمریکا به عنوان ابرقدرت، بسیار مهم است، ممکن است، بعضی تعجب کنند و بگویند مگر ایران چیست که برای آمریکای ابرقدرت، مهم است که با ایران پشت میز مذاکره بنشینند؟ بله، بسیار مهم است. اتفاقاً چون ابرقدرت است، برایش خیلی مهم است. ابرقدرت یعنی که از همه قدرتهای سیاسی دنیا بالاتر است و میتواند اراده ی خود را بر آنها تحمیل کند.

۲۳- دلیل اینکه مذاکره با ایران برای آمریکا اهمیت دارد این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه دنیا بیدار شود؛ در آسیا در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه ای را به نحوی شروع کنند. بعضی از این مبارزات مبارزات سیاسی با دولت هاست. بعضی از این مبارزات مبارزات اصلاحی است؛ بالاخره مشغول مبارزه هستند. همه ی اینها از این قله جمهوری اسلامی و امام و این ملت سرازیر شده اند.

۲۴- قطع رابطه ما با آمریکا - اول این را بیان میکند که این وضع نتیجه رفتار و وضع طبیعی استکبار آمریکایی است؛ در واقع، نتیجه مظلومیت ملت ایران است. حرف دوم این است که مذاکره با آمریکا، هیچ فایده ای برای ملت ایران ندارد. حرف سوم این است که مذاکره و رابطه با آمریکا برای ملت ایران ضرر دارد.

۲۵- در سال گذشته به مناسبت قانون «داماتو» قرارداد شرکت خودشان با شرکت گاز ما را ابطال کردند. قانونی گذراندند که هیچ شرکتی حق ندارد از فلان مبلغ بیشتر با ایران معامله نفتی کند. اولاً همان شرکت به مسئولان ما پیغام داد که ما ناراحتیم و در اولین فرصتی که بتوانیم باز قرارداد را میبندیم الان یکی از مشکلات آمریکا همین شرکتهایی هستند که نمیتوانند بیایند در کارهای نفتی مربوط به ما در خلیج فارس سرمایه گذاری کنند شرکتهای نفتی آمریکا به شدت ناراحتند.

۲۶- یکی دیگر از ضعف های درونی عبارت است از تربیت های اجتماعی موجود و عادت های تاریخی که این ها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود شما جوانها شاید از حالات روانی و تربیت های تاریخی ما در هنگامی که انقلاب پیروز شد، تصویر درستی نداشته باشید. امروز ما میبینیم که عنوان ما میتوانیم در همه هست. واقعاً هم اگر بگویند آقا شما میتوانید بنزید روی دست صنعتگران پیشرو دقیق ترین و ظریف ترین صنایع دنیا، شما میگوئید بله اگر همت کنیم تلاش کنیم میتوانیم واقعاً جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری میداند؛ امروز، آن روز ما نمیتوانیم بود. این آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده ی از دوران گذشته است.

۲۷- این موانع را همه ی این موانع جزو سنت های الهی است وجود این موانع تصادفی نیست اینها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است والا جهاد معنا نمیداشت: «و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس والجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» (سوره انعام: ۱۱۲) در همه ی دعوت های انبیاء دشمنان - موانع از جن و انس وجود داشتند در آیه ی دیگر: و کذلک جعلنا فی کل قریة اکابر مجرمیها لیمکروا فیها و ما یمکرون الا بانفسهم» (سوره انعام: ۱۳۳) در درون جوامع طبقاتی که وجود آنها مایه ی فساد مایه ی مکر بوده است؛ اینها جزو سنت هاست.

۲۸- مسیر پیشرفت مسیر غربی نیست مسیر منسوخ و بر افتاده ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست بحران هایی که در غرب اتفاق افتاده است همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحران ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم.

۲۹- علم یکی از این محورهای اصلی است؛ اتحاد یکی از محورهای اصلی است؛ تدین یکی از محورهای اصلی است؛ اقتصاد کشور هم یکی از محورهای اصلی است. اگر ما اینها را در این دوره ی از زمان با این شعار نوآوری که به شکوفایی قطعاً منتهی

خواهد شد عملیاتی و اجرایی کنیم و دنبالش برویم، همین چند محور در همین مرحله خواهد توانست دشمن را به شکست بکشاند بدون تردید البته فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاقول عدالت باشد. بدون عدالت هر تلاش اقتصادی به ضرر منتهی خواهد شد.

